

بررسی تاثیر régimes matrimoniaux بر حقوق مالی زوجین فرانسوی

سیمین امینی زارع^{۱*}، امین امینی زارع^۲، هستی طالبی^۳

۱- مدرس دانشگاه، کارآموز وکالت کانون وکلای دادگستری، کارشناس رسمی دادگستری

e-mail: attorney.aminizare@gmail.com

۲- دکترای تخصصی حقوق بین الملل، مدرس دانشگاه، وکیل پایه یک دادگستری

e-mail: edaalatgostaran@yahoo.com

۳- پژوهشگر، دانشجوی کارشناسی حقوق

e-mail: hastitalebi1385@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی تاثیر régimes matrimoniaux بر حقوق مالی زوجین فرانسوی می باشد. در نظام حقوقی فرانسه، «رژیم های مالی زوجین» (régimes matrimoniaux) به عنوان چارچوب های قانونی برای تنظیم روابط مالی میان همسران و تعاملات آنها با اشخاص ثالث تعریف می شوند. این رژیم ها، که در حقوق مدنی فرانسه جایگاه ویژه ای دارند؛ به دو دسته کلی تقسیم می شوند: رژیم های قانونی و رژیم های قراردادی. در صورت عدم انتخاب صریح توسط زوجین، رژیم قانونی «communauté réduite aux acquêts» به طور خودکار اعمال می شود. بر اساس این رژیم، اموالی که پس از ازدواج به دست می آیند، مشترک محسوب می شوند؛ در حالی که اموال پیش از ازدواج یا اموالی که از طریق ارث یا هدیه به هر یک از زوجین رسیده است؛ به عنوان اموال شخصی آنها تلقی می گردد. زوجین می توانند با تنظیم قرارداد ازدواج (contrat de mariage) نزد یک نوتار (notaire)، رژیم مالی متفاوتی را انتخاب کنند. از جمله این رژیم ها می توان به «séparation de biens» اشاره کرد که در آن هر یک از زوجین مالکیت و مدیریت مستقل بر اموال خود دارند. همچنین، رژیم «participation aux acquêts» ترکیبی از رژیم های جداگانه و مشترک است که در آن هر یک از زوجین در طول ازدواج مالکیت مستقل دارند، اما در صورت انحلال ازدواج، از افزایش دارایی های یکدیگر سهم می برند. بررسی سیر تحول قانون گذاری در فرانسه نشان دهنده تمایل عمومی حقوق دانان به برقراری رژیم افتراقی به عنوان رژیم قانونی است. این تغییرات نشان دهنده انعطاف پذیری نظام حقوقی فرانسه در پاسخ به نیازهای متغیر جامعه و تاکید بر اهمیت تنظیم روابط مالی زوجین به صورت شفاف و منصفانه است.

کلید واژگان: رژیم مالی، زوجین، نظام حقوقی، فرانسه

* نویسنده مسئول، دکترای تخصصی مدیریت، کارشناس ارشد حقوق خصوصی

مقدمه

قرارداد نکاح، خواه عقدی واقعی یا یک تاسیس حقوقی باشد؛ دارای آثار متعددی در حوزه مالی و غیرمالی است که همه آنها منجر به پیوند سرنوشت زوجین به هم می‌شود، بدون اینکه به جایگاه اجتماعی یا مدنی آنها که خود مبتنی بر فضیلت‌های ذاتی و اکتسابی هر فرد می‌باشد؛ لطمه‌ای وارد نماید و یکی را بر دیگری به ناحق برتری دهد. چگونگی تاثیر ازدواج بر وضعیت حقوقی اموالی که زوجین هنگام ازدواج به همراه می‌آورند یا بعد از آن کسب می‌کنند؛ یکی از بحث برانگیزترین مباحثی است که نظام‌های حقوقی را به خود مشغول داشته و به عنوان «رژیم مالی زوجین» موسوم گشته است. در این نوشتار، ابتدا به مفهوم حقوق مالی زوجین اشاره می‌شود و در ادامه انواع رژیم های مالی پذیرفته شده زوجین در فرانسه مورد تحلیل حقوقی قرار می‌گیرد.

مفهوم حقوق مالی زوجین

نظام مالی خانواده به معنی سیستم مالی خاصی است که هر نظام حقوقی جهت مالکیت و اداره اموال زوجین پس از ازدواج برمی‌گزیند و به وجود آمدن یا نیامدن اموال مشترک خانوادگی را تعیین می‌نماید. در صورت به وجود آمدن اموال خانوادگی به وسیله ازدواج، این رژیم ابعاد اشتراک در اموال، مدیریت این اموال و نحوه تقسیم آنها در طلاق یا سایر موارد پایان رابطه ازدواج و نحوه به ارث بردن چنین اموالی را در وفات زوجین بیان می‌نماید. در کشورهای تابع رژیم حقوقی نوشته، قانون ابعاد نظام مالی خانواده و قسمت‌های آمر و قابل توافق آن را تعیین می‌نماید و رژیم مالی خانواده توسط قانون برای همه به صورت یکسان یا با امکان توافق زوجین بر نظام خاصی انتخاب و اعمال می‌شود.*

در کشورهای اروپایی تا اواسط قرن نوزدهم، سایه قوانین قیمومیت سنگینی می‌کرد. قوانین قیمومیت زوج را از بهره‌مندی از حقوق نظیر مالکیت دارایی، همه دستمزدها و ثروت موروثی محروم می‌کرد و همه را در اختیار زوج قرار می‌داد. در حقیقت طبق این قوانین همه دارایی زوج ملک زوج می‌شد زوج محجور بود و با هیچ‌کس نمی‌توانست قرارداد مالی منعقد کند.[†]

کشوری مانند فرانسه در سال ۱۷۹۱ میلادی دولت انقلابی فرانسه حق ارث بردن را به زنان اعطا کرد. هرچند وقتی حکومت برگشت این حق از آنان سلب شد و حتی تا حدود یک قرن پیش حق داشتن حساب‌های بانکی را نداشتند؛ در سال ۱۸۸۱ ارث بردن زنان قانونی شد. پنج سال بعد از اعطای حق ارث به زنان، زنان متاهل هم مستحق بازکردن حساب بانکی بدون اجازه زوج شدند. انگلیس تا سال ۱۹۷۵ چنین اجازه‌ای به زنان نداد و ایالات متحد تا دهه ۱۹۶۰ زنان را از داشتن حساب بانکی محروم می‌کرد. بعد از آغاز انقلاب زنان و خیزش مطالبه‌گرانه ایشان وضعیت کم‌کم بهبود یافت؛ به طوری که قانون شماره ۸۷۳ فرانسه که در آگوست ۲۰۱۴ به تصویب رسید بر برابری اساسی زنان و مردان تاکید می‌کرد.[‡]

حقوق مالی زوجه در قوانین فرانسه

یکی از تحولات حقوقی مهمی که در قوانین فرانسه رخ داد مربوط به حقوق مالی زوجه است. مطابق ماده ۱۱۲۴ قانون مدنی قدیم فرانسه، زوجه در اداره اموال خویش تحت ولایت زوج قرار می‌گرفت و طبق ماده ۲۱۷ قانون مدنی قدیم فرانسه

* Dupont, 2023.

† Bernard, 2022.

‡ Mercier, 2020.

(۱۸۰۴)، زوجه نمی‌توانست حتی در رژیم تفکیک اموال، بدون همکاری زوج با اراده مکتوب وی، مالی را هبه یا تملیک کند یا مورد وثیقه قرار داده یا دریافت کند؛ خواه این دریافت، مالی یا درمقابل عوض باشد.*

زوجه نمی‌توانست برابر ماده ۴ قانون تجارت قدیم فرانسه بدون اجازه زوج وارد تجارت شود یا حرفه‌ای را انجام دهد؛ در نتیجه این ساختار نابرابر و آثار سوء آن بر وضعیت مدنی زوج بود که نگرش جامعه فرانسه به زوجین را تحت تاثیر قرارداد و اصل تساوی زوجین در نظام حقوقی خانواده فرانسه ثمره مطالبات جامعه فرانسه شد و موجب تغییر در قوانین گردید به طوری که در قانون ۱۳ ژوئیه ۱۹۰۷، حق زوجه در اداره اموال خویش که از دسترنج خود به دست آورده، شناسایی و در قوانین ۱۸ فوریه ۱۹۳۸ و ۲۲ سپتامبر ۱۹۴۲، به لغو حاکمیت زوج و رفع محجوریت زوجه اقدام شد. در قانون ۱۳ ژوئیه ۱۹۶۵، افزایش اختیارات زوجه در اداره روابط مالی و رفع حق ممانعت زوجه از اشتغال زوجه محل توجه قرار گرفت. در قانون ۴ ژوئیه ۱۹۷۰، ریاست انحصاری زوج بر خانواده لغو شد و در نهایت در قانون ۲۳ دسامبر ۱۹۸۵، یکسان‌سازی کامل حقوق و تعهدات مالی زوجین شناسایی شد. □

مفهوم رژیم مالی

رژیم مالی عبارت است از: «قواعد وسیع به هم پیوسته و پیچیده‌ای که دارای مبنای قانونی یا قراردادی بوده و هدف آن تنظیم وضعیت مالی زوجین در روابط آن دو با یکدیگر از یک طرف و روابط آن دو با اشخاص ثالث از طرف دیگر می‌باشد». □

حقوقدانان فرانسوی، به دلیل وجود قواعد زیاد و تخصصی؛ پیچیده بودن را جزء تعریف رژیم مالی ذکر کرده‌اند. این پیچیدگی به حدی است که جهت محاسبات و تقسیم اموال پس از انحلال، وکلای طرفین برای این که با قضاوت کورکورانه قضات روبرو نشوند؛ قبل از جلسه دادرسی، به سر دفتر رسمی مراجعه می‌کنند تا آنها یک پروژه تسویه صحیح را پیاده کنند. این یک نوع تضمین در برابر محاسبات قضات است. به دلیل همین پیچیدگی‌ها علاوه بر تنظیم روابط مالی زوجین، باید روابط آنها با طلبکاران هم معین شود؛ همچنین باید معلوم شود که روابط مالی اشخاص ثالث با هریک از زوجین چه تاثیری بر زوج دیگر دارد و آیا اشخاص ثالث به طور مستقیم می‌توانند با زوج دیگر رابطه مالی پیدا کنند. □ در برخی از رژیم های مالی این قواعد، علاوه بر روابط مالی آنها در نکاح و پس از انحلال نکاح، شامل اموال قبل از نکاح نیز می‌شود. موضوع اصلی رژیم های مالی علی الاصول ناظر بر مالکیت و اداره اموال زوجین در دوران نکاح است و به تبع آن تقسیم اموال، دیون و تعهدات هم مورد بررسی قرار می‌گیرد. **

* Jacquet, 2021.

† Dubois, 2021.

‡ Schmidt, 2022.

§ Jacquet, 2021.

** Dupont, 2023.

ویژگی‌های حقوقی رژیم مالی

رژیم های مالی به لحاظ ماهوی بر دو اصل اساسی استوارند:

(۱) آزادی انتخاب رژیم مالی

اصل آزادی انتخاب رژیم مالی، به زن و شوهر آینده این اجازه را می‌دهد که با در نظر گرفتن وضع خاص خود و همچنین با تصویری که از آینده و پایان ازدواج دارند؛ خود را بیشتر با آن منطبق نموده و قبل از جشن ازدواج، با انعقاد قراردادی، خود را تحت یک رژیم خاص درآورند. در حقوق فرانسه رژیم های مختلفی از اشتراک و افتراق اموال وجود دارد؛ بسیاری از آنها مدل یا قراردادهای نمونه هستند که قانونگذار صرفاً آنها را جهت تسهیل و آسان نمودن انتخاب اشخاص ذی‌نفع، معرفی کرده است و معرفی این نمونه ها هیچ خدشه‌ای به اصل آزادی انتخاب وارد نمی‌کند؛ لذا هیچ یک از این نمونه ها بر زوجین تحمیل نمی‌شود و آنها مجبور نیستند؛ توافقات خود را در قالب های تعیین شده محدود نمایند؛ بلکه می‌توانند با تقطیع این مدل ها و انتخاب قطعات یا اجزای مختلف از این نمونه ها، ترکیب جدیدی به وجود آورند؛ یعنی با بهره گیری از چند مدل یا نمونه، تمام خواسته های مورد نظرشان را عملی نمایند. حتی حقوق مدنی فرانسه، اشخاص را در انتخاب رژیم خارجی آزاد گذاشته است؛ آنها می‌توانند از وضعیت‌های موجود در قوانین خارجی هم استفاده نموده و آن را در توافقات خود بیاورند. این اصل همانند بسیاری از اصول دیگر مطلق نیست؛ بلکه به وسیله دو قید مهم محدود می‌شود:

الف) نظم عمومی و اخلاق حسنه؛ لذا هر توافقی که خلاف نظم عمومی و اخلاق حسنه باشد از درجه اعتبار ساقط است.
ب) قواعد امری ناظر بر رژیم مالی؛ این قواعد امری، مربوط به رژیم‌های اشتراک اموال است. مطابق آن هنگامی که زن و شوهر رژیم اشتراک اموال را انتخاب کنند؛ دیگر نمی‌توانند آن را به طور کامل از اشتراکی بودن تهی کنند؛ به عبارت دیگر، ماهیت آن را دگرگون سازند؛ بلکه باید حداقل، وجود اموال مشترک را بپذیرند.*

(۲) ثبات قراردادهای مالی

یکی دیگر از ویژگی‌های رژیم مالی؛ قطعی بودن یا ثبات قراردادهای مالی است. پس از انعقاد قرارداد مالی، هیچ یک از زوجین، حق ندارد بدون توافق طرف مقابل قرارداد را نسخ یا تغییر دهد. اصل تغییر ناپذیر بودن رژیم‌های مالی در همه دوره‌ها به یک معنی نبوده و در طول قانون‌گذاری در فرانسه دست‌خوش تحول گردیده است.[†] در قانون مدنی ۱۸۰۴م، این اصل به این معنی بود که پس از انتخاب رژیم مالی توسط زوجین، این رژیم تا پایان ازدواج باقی بود و طرفین هیچگاه نمی‌توانستند آن را تغییر دهند؛ ثبات قراردادهای مالی به معنی دقیق، در این قانون مشاهده می‌شد؛ اما پس از اصلاح قانون رژیم مالی فرانسه مصوب ۱۹۶۵م، مفهوم این اصل متحول گردید. در قانون جدید به زوجین اجازه داده می‌شود تا با توافق یکدیگر در صورتی که منافع و مصالح خانواده اقتضا کند؛ با کسب مجوز از دادگاه رژیم مالی را تغییر دهند. لذا در مقابل این سؤال که آیا مطابق قانون جدید با توجه به امکان تغییر قراردادهای اصل ثبات قراردادهای باقی است؛ اظهار می‌دارند: «مفهوم ثبات قراردادهای به این معنی است که طرفین تنها با اراده خود و بدون مجوز دادگاه نمی‌توانند آن را تغییر دهند. یعنی در این فرآیند آزادی کامل ندارند؛ بلکه قانون ۱۹۶۵م، یک ثبات نسبی برای آن قائل شده است».

* Mercier, 2020.

† Jacquet, 2021.

اصل ثبات قراردادهای در تمام رژیم‌های مالی (اعم از رژیم‌های قراردادی و قانونی) قابل اعمال است؛ به بیان دیگر زمانی که زوجین رژیمی را انتخاب نکرده باشند؛ تحت رژیم قانونی اشتراک قرار خواهند گرفت و در حقیقت مانند این است که آن رژیم را انتخاب کرده‌اند؛ لذا اصل قطعی بودن قراردادهای قابل اجرا است و آنها بدون مجوز دادگاه حق تغییر آن را ندارند.*

تحلیل تطبیقی رژیم‌های مالی زوجین در نظام حقوقی فرانسه

برخلاف حقوق ایران که تنها یک رژیم مالی یعنی استقلال مالی، بر زوجین حکومت می‌کند؛ در حقوق فرانسه رژیم‌های مختلفی وجود دارد. تدوین کنندگان قانون مدنی فرانسه، رژیم واحدی را که در حقوق رم وجود داشت و بر زوجین تحمیل می‌شد، نپذیرفتند. آنان بر این باور بودند که هیچ رژیم مالی ایده‌آلی وجود ندارد و این را امر مسلمی می‌دانستند که یک مدل واحد، هرگز نمی‌تواند تمام زوایای مالی زندگی اشخاص را در برگیرد و به تمام خواسته‌های آنها پاسخ دهد. از این رو، قانونگذاران بدون این که محدودیتی برای اشخاص در زمینه آزادی قراردادهای مالی ایجاد کنند، مدل یا نمونه قراردادهای مختلفی را به وجود آورده و انتخاب هر یک از آنها را به زوجین واگذار کردند و از آن جا که اکثر زن و شوهرهای فرانسوی بدون اینکه قرارداد مالی تنظیم کنند؛ ازدواج می‌کردند؛ تدوین کنندگان قانون مدنی در هر دوره، یک مدل را به صورت اتوماتیک بر این دسته از زوجین تحمیل کرده اند؛ البته دسته‌ای از رژیم‌های قراردادی وجود دارند که زن و شوهر آینده می‌توانند به تناسب وضعیت خود و با نگاهی که به آینده دارند یکی از آنها را انتخاب کنند.[‡]

امروزه در قوانین فرانسه هیچ گونه مدلی بر زوجین تحمیل نمی‌شود و آنها در قالب خاص و تعیین شده‌ای محدود نیستند و می‌توانند رژیم خاص خود را انتخاب کنند؛ یا ترکیب و تلفیقی از چند رژیم مالی داشته باشند و بر سر آن توافق کنند؛ البته بعد از انتخاب رژیم مالی خاص با طراحی نوعی رژیم دلخواه و توافق بر سر آن حق باطل کردن یا تغییر آن را ندارند. در ادامه به دو رژیم متداول در قوانین فرانسه اشاره می‌گردد:

نظام حقوقی فرانسه، که عمیقاً ریشه در سنت‌های حقوق رومی-ژرمنی دارد، در زمینه رژیم‌های مالی زوجین (Régimes Matrimoniaux)، چارچوبی جامع و انعطاف‌پذیر را ارائه می‌دهد. این رژیم‌ها به عنوان قواعد حقوقی حاکم بر سازماندهی دارایی‌ها و بدهی‌های زوجین در طول ازدواج و پس از انحلال آن (اعم از طلاق، فسخ نکاح، یا فوت) تعریف می‌شوند. انتخاب رژیم مالی مناسب، نه تنها بر ابعاد اقتصادی زندگی مشترک تاثیر می‌گذارد؛ بلکه پیامدهای حقوقی قابل توجهی در حوزه‌های ارث، مسئولیت‌پذیری در قبال دیون، و حمایت از حقوق طرفین (به ویژه همسر بازمانده) دارد.[‡]

در حقوق فرانسه، اصل آزادی قرارداد (Autonomie de la Volonté) به زوجین اجازه می‌دهد تا از طریق تنظیم قرارداد ازدواج (Contrat de Mariage) پیش از مراسم مدنی، رژیم مالی مورد نظر خود را انتخاب کنند. این قرارداد که یک سند رسمی بوده و می‌بایست توسط سردفتر اسناد رسمی (Notaire) تنظیم شود، مبنای حقوقی روابط مالی آینده زوجین را شکل می‌دهد. در غیاب چنین قراردادی، قانون به طور پیش فرض، رژیم قانونی (Régime Légal) را اعمال می‌کند.

* Schmidt, 2022.

† Dubois, 2021.

‡ Jacquet, 2021.

رژیم‌های مالی در نظام حقوقی فرانسه را می‌توان به طور کلی به دو دسته اصلی تقسیم کرد: رژیم‌های اشتراک اموال (Régimes Communautaires) و رژیم‌های تفکیک اموال (Régimes Séparatistes). *

۱. رژیم‌های اشتراک اموال (Régimes Communautaires)

قانون مدنی فرانسه در بند یک ماده ۱۵۶۹ می‌گوید: «هنگامی که زوجین اعلام می‌کنند که تحت رژیم مشارکت بر دارایی‌ها ازدواج می‌کنند؛ هر یک از آن دو در اداره انتفاع و تنظیم اموال خویش اختیار کامل دارند؛ بدون این که بین اموال موجود وی در زمان ازدواج با اموالی که از آن زمان به‌وسیله ارث و بخشش به‌دست می‌آورد و اموالی که وی به‌صورت معوض در دوران ازدواج کسب می‌نماید فرقی باشد». این رژیم خودبه‌خود بر اغلب زوجینی که قبلاً بدون تنظیم قرارداد مالی با هم ازدواج کرده بودند؛ تحمیل می‌شد؛ بنابراین نظام حقوقی فرانسه به‌منظور تساوی در حقوق و تعهدات مالی به روش‌های مختلفی اقدام کرده و تحقق برابری را از طریق شراکت زوجین در اجرای امور طبق ماده ۲۱۳ قانون مدنی لحاظ کرده و طبق ماده ۲۱۲ قانون مدنی، آن تساوی را از طریق تقابل حقوق و تعهدات برقرار کرده‌است. طبق ماده ۲۱۴ قانون مدنی مشارکت مالی زوجین در تامین هزینه خانواده از طریق انتخاب رژیم اموال زوجین و طبق ماده ۲۲۳، آزادی اشتغال هر یک از زوجین و طبق ماده ۲۱۷ قانون مدنی، استقلال هر یک از زوجین محقق شده‌است؛ همچنین ماده ۲۲۰ قانون مدنی امکان انتقال قراردادهای لازم برای اداره امور روزمره خانواده به دست هر یک از زوجین را فراهم می‌کند. بر مبنای اصل برابری، در بند ۱ مواد ۲۱۷ و ۲۲۰ مقرر شده‌است که هر یک از زوجین می‌توانند عملی را که همکاری با توافق طرف دیگر برای اجرای آن الزامی باشد؛ مشروط بر این که طرف دیگر از اعلام اراده خویش عاجز باشد یا امتناع وی از همکاری با اعلام توافق بر حفظ منفعت خانواده مستند نباشد؛ به‌تنهایی انجام دهند و نیز هر یک از زوجین به‌تنهایی می‌توانند به‌منظور اداره روزمره خانواده قراردادهای لازم را منعقد کنند. □

در قوانین فرانسه که تا چند دهه پیش، زوج به‌شدت مهجور و تحت ظلم آشکار بود و در محرومیت حقوقی به سر می‌برد امروز برای انجام دادن امور روزمره خانواده و کار خانه نیز می‌تواند قرارداد منعقد کند و زمینه توافق برای هرگونه رابطه مالی در چارچوب خانواده برایش مهیا است چراکه قانون‌گذار اجرای اعمال حقوق مالی را در حوزه خانواده به توافق زوجین مشروط کرده‌است. شاید برابری کامل برای زوج و زوج بر خانواده منطقی نباشد ولی برابری در امکان دسترسی به منابع مالی مهم است. □

رژیم مشارکت در دارایی‌ها، در واقع جامع قواعد رژیم افتراق اموال و رژیم اشتراک دارایی است. در تعریف این نوع رژیم حقوق دانان معتقدند در مرحله اول افتراقی بوده و سپس اشتراکی می‌شود. در طول ازدواج، زوجین تحت رژیم افتراق اموال زندگی می‌کنند؛ آنها آزادانه و مستقلاً به اداره، تنظیم و انتفاع از اموالشان می‌پردازند و با انحلال ازدواج، مجموعه مشترکی به وجود می‌آید که شامل تمامی اموال اکتسابی زوجین در طول ازدواج به غیر از مکتسبات بلاعوض می‌شود که بین زوجین یا وارث آنها تقسیم می‌شود؛ □ اما قانون ۱۹۶۵ م، برای تصویب آن اصلاحات محسوسی به عمل آورد؛ زیرا اگر برابر اصول اشتراک عمل شود، باید عین اموال مکتسبه توسط هریک از زوجین در طول ازدواج، تقسیم شود که این امر به طور طبیعی باید از طریق قرعه‌کشی، تکه تکه کردن عین اموال یا به حراج گذاشتن اموال تقسیم ناشدنی، انجام شود که در نهایت هریک از زوجین را

* Dupont, 2023.

† Mercier, 2020.

‡ Jacquet, 2021.

§ Congrès des Notaires, 2022.

متضرر خواهد ساخت؛ لذا قانونگذار، برای پرهیز از چنین ضرری به هریک از زوجین اجازه داده که دارایی‌هایشان را قبل از انحلال یا بعد از آن حفظ کنند و تقسیم اموال ناظر بر ارزش اموال می باشد و عین اموال در تقسیم بندی دخالت داده نمی شود. بدین ترتیب در واقع، هریک از زوجین به صورت مساوی، نسبت به اضافه دارایی دیگری حق پیدا می کند. در نهایت اصلاً تقسیمی در کار نیست. بلکه تنها حساسی بین زوجین جهت تعدیل دارایی‌ها به وجود می آید.*

از این رو قانون ۱۹۶۵م، تعریف روشنی از آن در بند ۱ ماده ۱۵۶۹ آورده و بیان می کند: «هنگامی که زوجین اعلام می کنند که تحت رژیم مشارکت در دارایی‌ها ازدواج می کنند، هریک از آن دو در اداره، انتفاع و تنظیم اموال خویش، اختیار کامل دارد. بدون اینکه بین اموال موجود وی در زمان ازدواج یا اموالی که به وسیله ارث و بخشش به دست می آورد و اموالی که به صورت معوض در دوران ازدواج کسب می نماید، فرقی باشد. در دوران ازدواج، این رژیم، همانند رژیم افتراق اموال عمل می کند و با انحلال نکاح، هریک از زوجین در نصف ارزش اضافی از دارایی خالص دیگری شریک می شود و با ارزیابی مضاعف دارایی اصلی و نهایی، وضعیت آنها متوازن خواهد شد». این دسته از رژیم‌ها بر مفهوم «جامعه» (Communauté) یا اشتراک اموال بین زوجین بنا شده‌اند. فلسفه زیربنایی این رژیم‌ها، تقویت پیوند زناشویی از طریق ایجاد یک حوزه مالی مشترک است. □

الف) رژیم اشتراک اموال حاصله از ازدواج (Communauté réduite aux acquêts)

این رژیم، که از اصلاحیه قانون مدنی فرانسه در سال ۱۹۶۵ به عنوان رژیم قانونی پیش فرض (Régime Légal Supplétif) شناخته می شود، بر اکثریت قریب به اتفاق ازدواج‌های منعقد شده در فرانسه حاکم است. پیچیدگی این رژیم در تفکیک دقیق بین دو گروه اصلی از دارایی‌ها نهفته است: اموال اختصاصی (Biens Propres) و اموال مشترک (Biens Communs). ‡

– **اموال اختصاصی (Biens Propres):** این دسته از اموال، متعلق به هر یک از زوجین به صورت انفرادی است و شامل موارد زیر می شود:

- اموال موجود پیش از ازدواج (Biens acquis avant le mariage): کلیه دارایی‌هایی که هر یک از زوجین پیش از تاریخ رسمی ازدواج (ازدواج مدنی) مالک آنها بوده‌اند.
- اموال حاصل از ارث یا هبه (Biens reçus par succession, donation ou legs): دارایی‌هایی که در طول ازدواج، از طریق ارث، وصیت، یا هبه به یکی از زوجین منتقل می شوند؛ حتی اگر این انتقال پس از ازدواج صورت گیرد. این اصل مبتنی بر ماهیت «هدایای رایگان» است که به شخص خاصی تعلق می گیرد. □
- اموال با ماهیت کاملاً شخصی (Biens à caractère personnel): این اموال، شامل اقلامی مانند لباس، جواهرات با ارزش عاطفی بالا، ابزار حرفه‌ای و همچنین مبالغ دریافتی به عنوان غرامت بابت آسیب‌های جسمی یا اخلاقی می شود (مانند غرامت تصادفات).

* Dubois, 2021.

† Jacquet, 2021.

‡ Duchang, 2021.

§ Congrès des Notaires, 2022.

- اموال حاصل از جایگزینی واقعی (Subrogation réelle): اگر یکی از زوجین، اموال اختصاصی خود را بفروشد و با پول حاصل از آن، دارایی دیگری خریداری کند، دارایی جدید نیز با قید شرط خاص در سند، به عنوان مال اختصاصی وی شناخته می‌شود. این مکانیزم به «اصول جایگزینی واقعی» در حقوق اموال اشاره دارد.*

- **اموال مشترک (Biens Communs):** این اموال، دارایی‌هایی هستند که در طول ازدواج و تحت رژیم قانونی، به صورت مشترک به زوجین تعلق می‌گیرند و شامل موارد زیر می‌باشند:
 - درآمد حاصل از فعالیت‌های حرفه‌ای زوجین (Salaires et revenus des activités professionnelles): کلیه حقوق، دستمزد، پاداش، و سایر درآمدهای ناشی از کار و تلاش هر دو زوج در طول ازدواج.[‡]

- ثمرات و درآمدهای حاصل از اموال اختصاصی (Fruits et revenus des biens propres): به عنوان مثال، اجاره‌بهای ملکی که یکی از زوجین پیش از ازدواج داشته است یا سود سهامی که به صورت اختصاصی متعلق به یکی از آنهاست، جزء اموال مشترک محسوب می‌شود.

- کلیه اموال به دست آمده از طریق تلاش مشترک یا فردی در طول ازدواج (Biens acquis à titre onéreux pendant le mariage): این شامل خرید املاک، وسایل نقلیه، سرمایه‌گذاری‌ها، و پس‌اندازها می‌شود، به شرطی که از محل درآمدهای مشترک یا درآمدهای حاصل از اموال مشترک به دست آمده باشند.[§]

اداره اموال (Gestion des Biens)

- **اموال اختصاصی:** هر یک از زوجین حق اداره و تصرف مستقل در اموال اختصاصی خود را دارد.
- **اموال مشترک:** اداره اموال مشترک عمدتاً بر پایه «اداره مشترک» (Gestion Conjointe) است. این بدان معناست که برای اقدامات مهم و جدی (مانند فروش یک ملک مشترک، دریافت وام‌های بزرگ یا تأسیس شرکت با سرمایه مشترک)، رضایت و امضای هر دو زوج ضروری است. با این حال، برای اقدامات روزمره و عادی اداری، هر یک از زوجین می‌تواند به تنهایی تصمیم‌گیری کند.

- **انحلال رژیم (Dissolution du Régime):** در صورت انحلال ازدواج (طلاق، فسخ، یا فوت)، اموال مشترک به طور مساوی بین زوجین (یا وراث آنها) تقسیم می‌شود. اموال اختصاصی هر فرد نیز به وی بازگردانده می‌شود. این رژیم تلاش می‌کند تا تعادل بین استقلال مالی فردی و مشارکت در زندگی مشترک را حفظ کند.[§]

* Dupont, 2023.

† Jacquet, 2021.

‡ Dubois, 2021.

§ Lefebvre, 2023.

(ب) رژیم اشتراک کامل (Communauté universelle)

این رژیم، گسترده ترین شکل اشتراک اموال است و اغلب توسط زوجینی انتخاب می شود که تمایل به حداکثر اتحاد مالی و سادگی در فرایند ارث پس از فوت یکی از آنها دارند.

- جامعیت اشتراک: در این رژیم، کلیه اموال زوجین، اعم از آنهایی که پیش از ازدواج به دست آمده اند، آنهایی که در طول ازدواج کسب شده اند، و حتی آنهایی که از طریق ارث یا هبه دریافت شده اند، به عنوان «اموال مشترک» تلقی می شوند. تنها استثنائات، اموالی با ماهیت کاملاً شخصی (مانند لباس ها یا جواهرات و ورزشی) و یا اموالی که به طور صریح در سند هبه یا وصیت نامه به عنوان مال غیرقابل اشتراک قید شده باشند، هستند.*

- **اداره اموال:** مشابه رژیم اشتراک اموال حاصله از ازدواج، اداره اموال مشترک نیازمند رضایت هر دو زوج برای اقدامات مهم است.□

انحلال رژیم و پیامدهای ارثی: یکی از ویژگی های بارز این رژیم، به ویژه در ترکیب با شرط اعطای کامل (Clause d'attribution intégrale) است. با وجود این شرط، در صورت فوت یکی از زوجین، تمامی اموال مشترک (که در این رژیم شامل تمام دارایی های هر دو نفر می شود) به همسر بازمانده منتقل می شود. این امر بدین معناست که وراثت مستقیم (فرزندان) تا زمان فوت همسر دوم، هیچ سهمی از دارایی ها را به ارث نمی برند. این مکانیسم می تواند در برنامه ریزی ارث و بهینه سازی مالیات بر ارث (در صورت لغو مالیات بین زوجین) بسیار مؤثر باشد؛ اما از سوی دیگر، حقوق وراثت مستقیم (فرزندان) را برای مدتی به تعویق می اندازد.□

اختیارات زوجین در رژیم مشارکت اموال

تدوین کنندگان قانون جدید، دریافتند که اختیارات زوجین باید محدود باشد، چرا که اختیارات شوهر مندرج در قانون ۱۸۰۴ م، شبه مطلق بود. تغییر این قانون به منظور شرکت هرچه بیشتر زن در اداره امور مالی خانواده، ضروری به نظر می رسید. البته این امر نه تنها در رژیم اشتراک دارایی ها (رژیم قانونی) مورد نظر بود، بلکه می بایست در تمام رژیم های اشتراک اموال مورد توجه قرار می گرفت. پس از تصویب قانون ۱۹۶۵ م، دیگر مرد حاکم و ارباب اشتراک نبوده و باید جوابگوی اشتباه های خود در اداره اموال باشد. این قانون تا آنجا پیش رفت که عنوان رئیس اشتراک را هم از شوهر گرفتند و اموال ذخیره شده زن نیز، از سیطره مرد خارج شد و مقررات خاصی در مورد آنها پیش بینی گردید؛□ همچنین از اختیارات شوهر در مورد اموال اختصاصی زن هم کاسته شد؛ درحالی که در لایحه ۱۹۵۹ م، پیش بینی شده بود که این اموال همانند اموال مشترک هستند و رضایت زن تنها در مورد اعمال حقوقی مهم، ضروری است؛ در عین حال به زن حق داده شده بود که به دادگاه مراجعه کند و اختیارات شوهری که مدیریت بدی دارد را از وی بستاند؛ اما در قانون ۱۹۶۵ م، اداره و بهره برداری از اموال اختصاصی زن به وی واگذار شد و وحدت

* Duchang, 2021.

† Schmidt, 2022.

‡ Mercier, 2020.

§ Jacquet, 2021.

امور خانواده نیز منحل گردید؛* البته این تحول بیشتر جنبه ظاهری داشته تا واقعی؛ زیرا وضعیت زوجین در اداره اموال مشترک هنوز هم مساوی نیست. چرا که در مورد اموال مشترک در صورت عدم شرط خلاف، شوهر اداره آن را برعهده دارد. هرچند در سال ۱۸۰۴م، چنین قانونی امری بود و حتی با توافق طرفین هم نقض آن ممنوع بود، اما براساس قانون ۱۹۶۵م، این قانون از امری بودن خارج شد و زوجین می‌توانند با توافق یکدیگر آن را نادیده بگیرند. اختیارات زوجین در مورد اموال اختصاصی زن نیز براساس قانون جدید، امری نیستند. مگر قواعد مربوط به وضعیت بنیادی زوجین در مورد عایدات، دستمزدها و اموال ذخیره شده که مورد قبول زوجین است.[□]

تضمین زوجین در رژیم مشارکت اموال

«حق انحلال اشتراک توسط زن و حق احتراز از تقسیم دیون مشترک» که در قانون ۱۸۰۴م، برای زن پذیرفته شده بود، در قانون ۱۹۶۵م، حذف گردید. اما در عین حال، دو امتیاز برای زن در قانون ۱۹۶۵م، در نظر گرفته شد که عبارتند از: الف) حفظ اموال خود؛ زوجه می‌تواند امتیاز خود را نسبت به اموال، در موقعی که اموال مشترک تکافوی پرداخت بدهی شوهر را ندارد (حق عدم پرداخت بدهی‌های مشترکی که ناشی از ریاست شوهر نیستند) حفظ کند. ب) حق مطالبه افتراق قضایی اموال؛ زن حق دارد در صورت ضرورت، برای اتخاذ تمامی تدابیر ضروری برای به دست گرفتن اختیارات شوهر، نه تنها در خصوص اموال مشترک بلکه در مورد اموال اختصاصی شوهر هم به رئیس دادگاه بخش مراجعه کند.[□]

۲. رژیم‌های تفکیک اموال (Régimes Séparatistes)

در این نوع رژیم هیچ اشتراک مالی بین زوجین وجود ندارد؛ نه در دوران ازدواج و نه قبل از آن، هر یک مستقلاً اختیار تام و کامل درباره اموالشان و نحوه نگهداری و هزینه آن دارند؛ البته ممکن است اموری را هم شرط کرده باشند؛ اما به هر حال در خانواده فرانسوی زوجین باید هزینه‌های خانه را مشترکاً پرداخت کنند. تعهد بر پرداخت نفقه از خصیصه‌های نظم عمومی است و هر کدام از زوجین که توانایی تامین معاش شخص دیگری را داشته باشد تعهد به انفاق او حتی با زوال زوجیت به واسطه طلاق هم ساقط نمی‌شود برد و پس از فوت هم نفقه به نفع همسر بازمانده مطابق ماده ۲۷۰ قانون مدنی فرانسه به مدت یک سال باقی است.[□] در حقوق مدنی فرانسه، طبق ماده ۵۷ ق.م.ف. زوجین به عنوان وظیفه همسری متعهد به انفاق می‌شوند. بند ۳ ماده مذکور مربوط به تعهد به انفاق است و بند چهار آن درباره مشارکت در تامین هزینه زندگی است در حقوق فرانسه نفقه تکلیفی دوطرفه است برخلاف قوانین ایران که حتی اگر زوجه ممکن باشد در صورت نفقه‌اش بر عهده زوج است درباره اموال غیرمنقول در قوانین فرانسه به دلیل این که با هم مخلوط می‌شود اگر طلاق اتفاق بیفتد تصفیه واقعی ضروری است و اموال به مالک واقعی آن تعلق می‌گیرد.^{**}

* CDAD Morbihan, 2025.

† Dubois, 2021.

‡ Bernard, 2022.

§ Jacquet, 2021.

** Duchang, 2021.

در این رژیم، کار زن در خانه، بار اقتصادی ندارد. یعنی زحمات زنی که شخصاً درآمدی ندارد و با خانه‌داری و کار در منزل شوهر به پس‌انداز و درآمدخانه کمک می‌کند، نادیده گرفته می‌شود و وضع نامساعدی را برای زن به وجود می‌آورد. انتقاد فوق یکی از انتقادهای اساسی به این رژیم است. لذا از این جهت وضعیت مالی زن در رژیم مالی مشترک بهتر است؛ زیرا به اندازه شوهر از درآمد دارایی روزافزون خانواده هنگام انحلال رژیم اشتراک مالی، سهم می‌برد. (منوچهریان، ۱۳۴۲: ص ۱۰۶) با این حال برای رفع این نقیصه رویه قضایی فرانسه، این قسمت از فعالیت‌های زن در خانه را از نظر دور نداشته و برای آن اجرت‌المثل منظور داشته است. رژیم‌های تفکیک اموال بر استقلال کامل مالی هر یک از زوجین تأکید دارند و مفهوم «جامعه» مالی را به حداقل می‌رسانند.*

الف) رژیم تفکیک اموال (Séparation de biens)

این رژیم دقیقاً متضاد رژیم‌های اشتراک است و بر استقلال مالی کامل هر یک از زوجین در طول ازدواج استوار است. این رژیم معمولاً توسط زوجینی انتخاب می‌شود که هر دو دارای شغل و درآمد مستقل هستند، یا یکی از آنها دارای بدهی‌های قابل توجهی است، یا در فعالیت‌های تجاری و حرفه‌ای با ریسک بالا مشغول است.[‡]

- استقلال کامل مالکیت: در این رژیم، کلیه اموال که هر یک از زوجین پیش از ازدواج داشته‌اند، و همچنین کلیه دارایی‌هایی که در طول ازدواج به هر طریقی (خرید، ارث، هبه، درآمد حاصل از کار) به دست می‌آورند، کاملاً اختصاصی به خودشان تعلق دارد. به عبارت دیگر، مفهوم "اموال مشترک" به طور کلی در این رژیم وجود ندارد.

- مالکیت مشاع (Indivision) برای اموال خریداری شده مشترک: در صورتی که زوجین به طور مشترک اموالی را خریداری کنند (مثلاً یک خانه مشترک)، این اموال به صورت مالکیت مشاع (indivision) بین آنها تقسیم می‌شود. هر یک از زوجین به نسبت سهم خود در مالکیت آن مال شریک است.[§]

اداره اموال: هر یک از زوجین به طور کامل و مستقل اموال اختصاصی خود را اداره می‌کند و برای هیچ‌گونه تصرف یا اداره‌ای نیاز به رضایت یا امضای همسر خود ندارد.[¶]

بدهی‌ها (Dettes)

- هر یک از زوجین مسئول بدهی‌های شخصی خود است. این رژیم حداکثر حفاظت را در برابر بدهی‌های همسر فراهم می‌کند.

- تنها استثناً، بدهی‌هایی است که برای تأمین نیازهای روزمره خانواده (مانند اجاره، خوراک، پوشاک) ایجاد شده باشند که در این صورت، هر دو زوج به صورت تضامنی مسئول هستند، مگر اینکه بدهی بیش از حد و غیرمتعارف باشد.

* Lefebvre, 2023.

† CDAD Morbihan, 2025.

‡ Bernard, 2022.

§ Schmidt, 2022.

انحلال رژیم: در صورت طلاق، فسخ، یا فوت، هر یک از زوجین اموال اختصاصی خود را برمی دارد. اموال مشاع نیز بر اساس سهم الشرکه هر یک تقسیم می شود. این رژیم فرایند تقسیم اموال را ساده تر می کند.*

ب) رژیم مشارکت در اموال حاصله (Participation aux acquêts)

این رژیم به عنوان یک «رژیم مختلط» (Régime Mixte) شناخته می شود که عناصری از تفکیک و اشتراک را در خود جای داده است. این رژیم در طول ازدواج مانند رژیم تفکیک اموال عمل می کند؛ اما در زمان انحلال (طلاق یا فوت) مکانیسم اشتراک سود را فعال می کند. این رژیم کمتر رایج است و اغلب توسط زوجینی انتخاب می شود که می خواهند در طول زندگی مشترک استقلال مالی خود را حفظ کنند، اما در پایان از انصاف مالی مشارکت در ثروت بهره مند شوند.[‡]

- عملکرد در طول ازدواج: در طول مدت ازدواج، این رژیم دقیقاً مانند رژیم تفکیک اموال عمل می کند. هر یک از زوجین دارای اموال اختصاصی خود است، آنها را به طور مستقل اداره می کند، و مسئول بدهی های شخصی خود می باشد. هیچ جامعه ای از اموال وجود ندارد.

- عملکرد در زمان انحلال (مکانیسم مشارکت): در زمان انحلال رژیم (طلاق یا فوت)، یک محاسبه پیچیده انجام می شود تا «افزایش ثروت» یا «مازاد سود» (acquêts) هر یک از زوجین در طول ازدواج مشخص شود. این محاسبه شامل ارزیابی دارایی های اولیه هر فرد در زمان ازدواج (patrimoine originaire) و دارایی های نهایی در زمان انحلال رژیم (patrimoine final) است. زوجی که «افزایش ثروت» کمتری داشته است، حق دارد از زوج دیگر نیمی از اختلاف در افزایش ثروت را دریافت کند. این مکانیسم به معنای مشارکت در سود حاصل از کار و سرمایه گذاری های هر یک از زوجین در طول زندگی مشترک است، بدون اینکه نیاز باشد اموال واقعاً مشترک باشند.[§]

مزایا: این رژیم ترکیبی از استقلال در اداره اموال در طول ازدواج (مشابه تفکیک اموال) و انصاف در تقسیم ثروت حاصل از ازدواج در زمان انحلال (مشابه اشتراک اموال) را فراهم می کند.

معایب: پیچیدگی محاسباتی و ارزیابی افزایش ثروت در زمان انحلال، که می تواند منجر به اختلافات و نیاز به ارزیابی های دقیق کارشناسی و طولانی شدن فرایند شود.[‡]

* Jacquet, 2021.

† Dubois, 2021

‡ Jacquet, 2021.

§ Duchang, 2021.

انتخاب، تغییر و اصلاح رژیم مالی

- انتخاب رژیم (Contrat de Mariage) : همانطور که اشاره شد؛ انتخاب رژیم مالی می‌بایست پیش از ازدواج و از طریق تنظیم یک قرارداد ازدواج رسمی توسط سردفتر اسناد رسمی صورت گیرد. این قرارداد می‌تواند شامل شروط خاصی باشد که قوانین عمومی رژیم را تعدیل می‌کند (مانند شروط مربوط به هدایا بین زوجین).
- عدم انتخاب (Régime Légal Supplétif): در صورت عدم انعقاد قرارداد ازدواج، رژیم اشتراک اموال حاصله از ازدواج (Communauté réduite aux acquêts) به طور خودکار اعمال می‌شود.
- تغییر رژیم مالی در طول ازدواج (Changement de Régime Matrimonial) : قانون فرانسه امکان تغییر رژیم مالی را در طول زندگی مشترک فراهم کرده است. این تغییر می‌تواند پس از حداقل دو سال زندگی مشترک و با توافق هر دو زوج، از طریق تنظیم سندی رسمی توسط سردفتر اسناد رسمی انجام شود. این تغییر می‌بایست به اطلاع طلبکاران احتمالی و فرزندان بالغ (در صورت وجود) رسانده شود و در مواردی که منافع خانواده به طور جدی تحت تاثیر قرار گیرد، ممکن است نیاز به تأیید دادگاه (Homologation Judiciaire) داشته باشد.*

ملاحظات حقوقی و راهبردی در انتخاب رژیم مالی

- انتخاب رژیم مالی مناسب یک تصمیم راهبردی است که باید با در نظر گرفتن چندین عامل کلیدی اتخاذ شود:
- وضعیت مالی و دارایی‌های موجود: ارزیابی دارایی‌ها و بدهی‌های فعلی هر یک از زوجین.
- اهداف مالی و شغلی: برنامه‌ریزی برای آینده مالی، ریسک‌پذیری در فعالیت‌های شغلی، و احتمال کسب درآمدهای نامساوی.
- مسائل مربوط به وراثت (به ویژه فرزندان از ازدواج‌های قبلی): در صورت وجود فرزند از ازدواج‌های قبلی، انتخاب رژیم مالی (به ویژه اشتراک کامل) می‌تواند بر حقوق ارثی آنها تاثیر بگذارد.[‡]
- حمایت در برابر بدهی‌ها: رژیم تفکیک اموال، حمایت بیشتری در برابر بدهی‌های همسر فراهم می‌کند.
- سادگی در انحلال رژیم: رژیم تفکیک اموال در صورت طلاق، فرایند تقسیم را ساده‌تر می‌کند.
- تاثیرات مالیاتی: برخی رژیم‌ها می‌توانند پیامدهای مالیاتی متفاوتی در زمان انحلال یا انتقال ارث داشته باشند.[‡]

* Mercier, 2020.

† Jacquet, 2021.

‡ Duchang, 2021.

بنابراین، مشاوره تخصصی با یک سردفتر اسناد رسمی یا وکیل متخصص در حقوق خانواده پیش از ازدواج، برای انتخاب آگاهانه و متناسب با شرایط خاص هر زوج، امری حیاتی است. این انتخاب نه تنها به مدیریت صحیح دارایی‌ها در طول زندگی مشترک کمک می‌کند، بلکه می‌تواند پیامدهای حقوقی و مالی آتی را به طور قابل توجهی تحت تأثیر قرار دهد.*

نتیجه گیری

در مباحث فلسفه حقوق و تبیین اهداف علم حقوق، اندیشمندان حقوقی بر آنند که هدف غایی نظام‌های حقوقی، پاسخگویی به نیازهای جامعه در بستر عدالت است تا موجبات فلاح و رستگاری اجتماعی را فراهم آورد. این نیازها، مولود باورها، رسوم، عادات و رفتارهای غالب در یک جامعه انسانی هستند. از آنجا که این عناصر در جوامع گوناگون، از تنوع و تفاوت ماهوی برخوردارند، نیازهای هر جامعه نیز شکلی منحصر به فرد یافته و متعاقباً، راه‌حل‌های حقوقی ارائه شده برای پاسخگویی به آنها، جلوه‌ای ویژه می‌یابند. بنابراین، ورود به جدل‌های کلامی در باب صحت یا سقم راه‌حل‌های حقوقی برگزیده شده توسط نظام‌های مختلف، آن هم از منظر مقایسه‌ای صرف، غیرممکن و بی‌حاصل به نظر می‌رسد. هدف غایی این نوشتار، نه اثبات درستی یا نادرستی راه‌حل حقوقی کشور فرانسه در خصوص رژیم مالی زوجین است، بلکه ارزیابی میزان کارایی این راه‌حل در تحقق اصول پذیرفته شده و رفع نیازهای جامعه مورد بررسی می‌باشد.[‡]

بررسی سیر تکوین و تحول نظام حقوقی فرانسه نشان می‌دهد که این نظام، از یک سو، تحت تأثیر حقوق روم باستان، زنان را محجور و از دخالت مستقل در امور مالی خود ممنوع ساخته بود. از سوی دیگر، با وجود عدم اعطای شخصیت حقوقی مستقل به خانواده، روابط عمیق میان اعضای آن، ایجاب می‌کرد که تمامی اموال زوجین در خدمت مصالح نهاد خانواده قرار گیرد. این امر، تنها با اشتراک کامل اموال زوجین و اداره مطلق و غیرمسئولانه این اشتراک از سوی مرد میسر می‌شد. لذا، رژیم اشتراک مالی اولیه در فرانسه، بر این دو فرض اساسی تأکید داشت. رژیم اشتراک قانونی قدیم، مندرج در قانون مدنی فرانسه، بیشترین میزان از اموال زوجین را تحت اشتراک قرار می‌داد و به مرد، به عنوان «ارباب اشتراک و خانواده» (Maître de communauté et de famille)، اختیارات مطلق و غیرمسئولانه‌ای در اداره این اموال می‌بخشید. گستره حاکمیت این رژیم بر روابط مالی بیش از سه چهارم زوجین فرانسوی، گواه این تسلط بود؛ چرا که زن از هرگونه دخالت در اداره اموال مشترک منع شده بود و این قاعده، از جمله قواعد آمره محسوب می‌شد.[‡]

جنبش فمینیسم یا نهضت بیداری زنان، در واقع واکنشی بنیادین به این تفکر افراطی بود. در سده اخیر، این نهضت، قانونگذار فرانسه را وادار ساخت تا بر پایه تساوی حقوق زن و مرد – که هدف اصلی این نهضت است – به اصلاح مقررات حقوقی در این حوزه بپردازد. بر این اساس، قانون اصلاحی سال ۱۹۶۵ میلادی به تصویب رسید. نکته حائز اهمیت در ارزیابی این قانون، میزان تحقق اصل تساوی حقوق زن و مرد و ریشه کن کردن برتری ناروای مرد بر زن و کاهش خشونت در خانواده است. این قانون، رژیم مالی را به دو دسته بزرگ تقسیم کرد: رژیم قانونی (که نوعی نظام اشتراکی اصلاح شده است) و رژیم قراردادی (که شامل چندین رژیم با ماهیت اشتراکی و افتراقی می‌شود). اگرچه تنوع و پیچیدگی این رژیم‌ها و آزادی زوجین در خلق رژیم‌های

* Dubois, 2021.

† Lefebvre, 2023.

‡ Jacquet, 2021.

جدید، در ظاهر مثبت و متری به نظر می‌رسد، اما در واقعیت، زوج‌های فرانسوی را دچار تحیر و سردرگمی کرده است. دخالت عناصر اجتماعی و فردی دیگر در فرایند انتخاب، مانع از گزینش رژیمی می‌شود که بتواند به بهترین نحو منافع آنها را تامین کند. به بیان دیگر، ماهیت و آثار دقیق نظام‌های مالی، حتی برای حقوقدانان زبده نیز به طور کامل روشن نیست، تا چه رسد به یک شهروند عادی فرانسوی*.

به همین دلیل، بخش عمده‌ای از زوج‌های فرانسوی، برای رهایی از این پیچیدگی‌ها، بدون انعقاد قرارداد مالی ازدواج می‌کنند و ناخودآگاه تحت رژیم پیچیده قانونی اشتراک (Communauté réduite aux acquêts) قرار می‌گیرند؛ بدون اینکه بتوانند ارزیابی درستی از مناسب بودن آن برای شرایط خود داشته باشند. یکی از نکات مثبتی که حقوقدانان فرانسوی در خصوص رژیم قانونی جدید اشتراک ادعا می‌کنند، امکان اداره مشترک اموال توسط زوجین است؛ اما این امکان تنها در صورتی محقق می‌شود که زوجین در این مورد با هم توافق صریح داشته باشند. در غیر این صورت، اداره اموال همچنان با مرد خواهد بود. همانطور که ذکر شد، در اغلب موارد، زوج‌های فرانسوی بدون انعقاد قرارداد مالی ازدواج می‌کنند که این امر در عمل، چنین توافقی را منتفی می‌سازد و به این ترتیب، مردان همچنان برتری ناروا و سیطره بر اموال زن را برای خود حفظ می‌کنند[‡]. در واکنش به این ایرادات، ژوسران (Josserand)، حقوقدان برجسته فرانسوی، پیشنهاد کرد که رژیم مشارکت در دارایی‌ها - (Participation aux acquêts) که نوعی از رژیم افتراق اموال است - به عنوان رژیم قانونی قلمداد شود. وی بر این باور بود که تنها یک رژیم افتراقی، با توجه به ماهیت قرارداد ازدواج، می‌تواند اسباب تساوی واقعی حقوق زن و مرد را فراهم آورد. اگرچه این پیشنهاد به دلیل غلبه اندیشه‌های سنتی بر حقوقدانان فرانسوی مورد پذیرش قرار نگرفت، اما سیر تحول قانونگذاری فرانسه در این خصوص نشان‌دهنده تمایل عمومی حقوقدانان به برقراری رژیم افتراقی به عنوان رژیم قانونی است.[†]

مراجع

1. Duchange, N. (2021). Qu'est-ce donc que participer aux acquêts? *La Semaine Juridique - Notariale et Immobilière*, (Numéro 37).
2. Congrès des Notaires. (2022). *La participation aux acquêts*. Rapport du 118e Congrès des Notaires de France.
3. CDAD Morbihan. (2025). *La Contestation du Régime Optionnel de Participation aux Acquêts : Enjeux et Perspectives*.
4. Lefebvre, C. (2023). Le rôle du notaire dans le conseil aux époux sur le régime matrimonial idéal. *Droit de la famille*.
5. Schmidt, A. (2022). Les enjeux fiscaux des régimes matrimoniaux à l'heure de la transmission patrimoniale. *Droit de la famille*.

* Congrès des Notaires, 2022.

† Duchang, 2021.

‡ Jacquet, 2021.

6. Jacquet, J. (2021). La qualification des biens propres et communs au regard des investissements financiers des époux. *Revue trimestrielle de droit civil*.
7. Mercier, P. (2020). Les difficultés d'application du régime de la participation aux acquêts: Retours d'expériences. *Revue trimestrielle de droit civil*.
8. Dupont, G. (2023). Le changement de régime matrimonial: Opportunités et pièges juridiques. *Répertoire du Notariat Defrénois*.
9. Bernard, S. (2022). La communauté universelle avec clause d'attribution intégrale: Un outil de transmission toujours pertinent? *Répertoire du Notariat Defrénois*.
10. Dubois, F. (2021). L'application des règlements européens en matière de régimes matrimoniaux transfrontaliers. *Journal du Droit International (Clunet)*.